اخبار

کتاب «خانواده» همچنان می‌فروشد

کتاب «خانواده» در صدر آثار به فروش رفته انتشارات صهبا در ۶ ماه نخست سال اعلام شد. به گزارش تسنیم، بنا بر آمار انتشارات صهبا، کتاب «خانواده» شامل توصیه‌های رهبر معظم انقلاب درباره نهاد خانواده با ۲۰۰ هزار نسخه در صدر قرار دارد. دیدگاه‌های منحصر به فرد مقام معظم رهبری در نوع نگاه ایشان به زن و نقش او در خانواده و ارائه دادن الگوی جامع خانواده اسلامی برای جوامع بشری در این کتاب باعث شده است مخاطب آن، فقط زوج‌های جوان نباشند و هرکس می‌خواهد خانواده‌ای تشکیل دهد یا تشکیل داده و در ابتدای راه است یا سال‌هاست زندگی مشترک را شروع کرده و اکنون در فکر زندگی مشترک فرزندان است، می‌تواند مخاطب آن باشد. «انسان ۲۵۰ ساله» که در سال گذشته پرفروش‌ترین کتاب این انتشارات اعلام شده بود، در ۶ ماه نخست سال جاری به تعداد ۱۷۰ هزار نسخه به فروش رفته است. این کتاب دربردارنده بیانات و تأکیدات مقام معظم رهبری درباره سیره سیاسی ائمه اطهار(ع) است. بنابر اعلام این انتشارات، کتاب «قرارگاه‌های فرهنگی» نیز در رتبه سوم آمار فروش قرار دارد.

■■■

سامی یوسف:

خوانندگی‌ام با فلسطین آغاز شد

خواننده مشهور دنیای اسلام گفت: یکی از بزرگ‌ترین رویاهای زندگی‌ام ارتباط مداوم با ایران و ایرانیان است. من به لحاظ فرهنگی و اخلاقی ایرانی هستم. ایران همیشه در قلب من است و اگر به آنجا بیایم ابتدا به مشهد می‌روم.

به گزارش تسنیم، سامی یوسف که در آلبوم موسیقی فیلم «محمد رسول‌الله(ص)» اثری خواهد داشت، درباره این فیلم عظیم افزود: در ابتدا باید بگویم بسیار باعث افتخار من است که بخشی از این پروژه عظیم بودم و فکر می‌کنم افراد زیادی، مخصوصا جهان غرب این فیلم را خواهند دید. من هم به بزودی این فیلم را خواهم دید ان‌شاءالله و امیدوارم این فیلم تاثیر مثبتی در شناساندن اسلام و حضرت محمد(ص) به جهانیان داشته باشد. در واقع در طول ۲۰۰ سال گذشته صحبت‌های زیادی درباره هنر اسلامی به صورت مثبت صورت گرفته اما برای شخص پیامبر به هیچ‌وجه اینگونه نبوده است اما نکته مهم این است که ما باید فیلم‌های بیشتری مانند فیلم آقای مجیدی داشته باشیم و امیدوارم اتفاقات خوبی در این زمینه بیفتد. این خواننده درباره مردمان مظلوم فلسطین و حواشی رخ داده در مورد کنسرت چندماهه گذشته خود گفت: خوانندگی من با فلسطین و برای فلسطین آغاز شد. این خیلی مساله مهمی است که من از زمانی که بچه بودم با مساله فلسطین درگیر بودم و دغدغه فلسطین را داشتم و همینطور این دغدغه با من ماند و برای باقی عمرم نیز باقی خواهد ماند. من برای اسرائیل کنسرتی اجرا نکردم.

■■■

مرکز تئاتر «صبا» مهرماه به بهره‌برداری می‌رسد

افتتاح فاز اول مرکز تئاتر تجربی «صبا» همزمان با پردیس تئاتر تهران در منطقه خاوران به مهرماه موکول شده است. به گزارش مهر، محمدمهدی خاتمی، مدیر روابط عمومی و مشاور هنری شرکت توسعه فضاهای فرهنگی شهرداری تهران درباره افتتاح فاز اول مرکز تئاتر تجربی «صبا» که چندی پیش قرار بود برگزار شود، گفت: طبق برنامه‌ریزی‌های انجام شده در تلاش هستیم مرکز تجربی «صبا» را مهرماه افتتاح کنیم. احتمالا با آماده شدن پردیس تئاتر تهران (خاوران) این دو مرکز همزمان با هم افتتاح می‌شوند. مشاور هنری شرکت توسعه فضاهای فرهنگی شهرداری تهران درباره زمان راه‌اندازی کل مجموعه «صبا» بیان کرد: البته راه‌اندازی کل مجموعه و سالن اصلی این مرکز هنوز میسر نیست و آماده‌سازی آن زمان می‌برد.

■■■

ابراهیم حاتمی‌کیا به هنر و تجربه می‌آید

فیلم سینمایی «دیده‌بان» ساخته ابراهیم حاتمی‌کیا بزودی در سینماهای گروه هنر و تجربه به اکران عمومی درمی‌آید. «دیده‌بان» قرار است از ۳۰شهریور در سینماهای هنر و تجربه اکران شود. همچنین در هفته دفاع‌مقدس قرار است بسته‌ای ویژه از آثار ارزنده دفاع‌مقدس شامل «سفر به چذابه» ساخته رسول ملاقلی‌پور، «کیمیا» به کارگردانی احمدرضا درویش، «در کوچه‌های عشق» ساخته خسرو سینایی، «آخرین روزهای زمستان» به کارگردانی محمدحسین مهدویان و «ملف گند» و «مدار صفر درجه» از آثار محمود رحمانی در گروه سینماهای هنر و تجربه اکران شود. ۱۳ مهرماه اولین سالگرد سینمای هنر و تجربه خواهد بود.

نگاهی به نمایش «شب‌به‌خیر جناب کنت»

بازی با شطرنج مرگ!

«شب‌به‌خیر جناب کنت» که این شب‌ها در سالن گوشه فرهنگسرای نیاوران به اجرا درمی‌آید، در سال ۱۳۸۵ هم اجرایی دیگر توسط میکائیل شهرستانی داشته است. حالا پس از گذشت ۹ سال از اجرای شهرستانی، امیرحسین گلشنی، کارگردان جوان تئاتر سراغ این نمایشنامه رفته است. «شب‌به‌خیر جناب کنت» داستان نصرالله، خیاط پیر و همسرش است که در انتظار راننده آقای ملکوتی- برای رفتن به عروسی دختر ملکوتی- خاطرات گذشته را مرور می‌کنند. این دو از اولین لحظه آشنایی تا روز قبل زمان داستان را با هم مرور می‌کنند. این مرور، گزینشی از مهم‌ترین وقایع زندگی آنان نیست بلکه برگرفته از اولویت‌های دراماتیکی است که هر یک از این شخصیت‌ها تجربه‌می‌کنند.

به گزارش تسنیم، مهم‌ترین ویژگی «شب‌به‌خیر جناب کنت» که آن را از دیگر آثار نویسنده‌ای چون رادی جدا می‌کند، تقابل ۲ شخصیت مسن است. این تقابل از آن جدال‌های میان جوانان و پیران یا گفت‌وگوی میان دختر و پسر داستان نیست. این بار دختر و پسر رادی پا به سن گذاشته‌اند و قامتشان خمیده شده است. بارزترین ویژگی نصرالله کنت انتظار است. البته همسرش نیز در انتظار است اما جنس انتظار این دو با هم متفاوت است. اگرچه در ظاهر هر دو منتظر ورود راننده آقای ملکوتی هستند اما نصرالله در تراس خانه‌اش هر روز انتظار می‌کشد. از همین رو است که با ورود مردی در قامت راننده، نصرالله دستپاچه نمی‌شود. شاید انتظار برایش به پایان رسیده است یا وعده حقیقی برآورده شده است.

در گذشته میکائیل شهرستانی در خوانشی که از «شب‌به‌خیر جناب کنت» داشته است، به تقابل ۲ رنگ سیاه و سفید در ساختار کلی نمایش توجه داشته؛ چیزی که در اثر گلشنی نیز تکرار شده است. پوشش سیاه نصرالله کنت در برابر سفیدی لباس همسرش، عنصر متناقضی است در شکل انتظار این دو. تناقض زمانی بارز می‌شود که مرگ با برانداز کردن کنت تأکید می‌کند لباس سیاه نصرالله- که برای عروسی آماده شده است- مناسب مجلس ختم است و زن باید لباس سفیدش را عوض کند. ادعای این مساله که رادی نیز خود درگیر چنین انتظاری بوده است، سخن گزافی است اما می‌شود درک کرد نویسنده، مرگ را به‌عنوان یک دغدغه دنبال می‌کرده است. ولی چه نوع مرگی؟ مرگی راحت و البته کمی غافلگیرانه که شبیه راننده‌ای است که سر وقت سروکله‌اش پیدا می‌شود و شوخ‌طبعی‌اش بیشتر طعم بی‌مزگی می‌دهد. در این تقابل میان سیاه و سفید، شوخ‌طبعی و بی‌مزگی، امیرحسین گلشنی موفق به خلق فضایی می‌شود که این تقابل حس شود. اگر به دکور دقت شود تباین میان روشنایی و تاریکی به ساده‌ترین شکل ممکن وجود دارد. یعنی بخشی از صحنه تاریک و بخشی از آن روشن است. عمده بازی‌ها تا قبل از ورود مرگ در فضای روشن رخ می‌دهد و در محضر مرگ نور صحنه دچار تغییر می‌شود و تاریکی بر کلیت اثر غلبه می‌کند.

نکته قابل توجه در اثر گلشنی در همین تقابل ۲ نیمه نمایش است. قسمت نخست شیرین و ملیح است. چیزی شبیه دیالوگ‌های پدربزرگ و مادربزرگ‌هاست. این بخش تجربه مستقیم شخص رادی از جهان تازه‌ای است که تجربه‌اش کرده است. گذر از ۶۰ سالگی، دریچه‌ای نو در زندگی بشر باز می‌کند. مقتضیات این دریچه را می‌توان در شخصیت‌پردازی کنت و رزیتا تماشا کرد. هر دو به تنهایی خلاگونه‌ای رسیده‌اند که در آن تبدیل به ۲ عنصر یکه و کنار هم شده‌اند. این دو به هم نیازمندند از همین رو از نو به یکدیگر عشق می‌ورزند. کمااینکه در دیالوگ‌ها نشانه‌هایی از کم‌توجهی در گذشته وجود دارد اما اکنون با تمام حواس‌پرتی‌های پیری، بابت عشق‌ورزی ۲ فرد مسن تبدیل به توجه می‌شود. در نیمه اول گلشنی بازی خوب و یکدستی از وحید آقاپور و لیلا برخورداری می‌گیرد. این دو واقعیت پیری را- با وجود جوانی‌شان- روی صحنه عیان می‌کنند. بازی آقاپور مملو از ریزه‌کاری‌هایی است که تماشاگر حسش می‌کند و از آن لذت می‌برد. برای مثال زمانی که درباره خرید پفک و چشم‌چرانی‌اش حرف می‌زند، بازی با بدنش در راستای سنی است که آن را نمایش می‌دهد. برخورداری نیز موفق به این امر می‌شود اما از جایی بازی‌اش ایستا می‌شود و بار نمایش به دوش آقاپور می‌افتد. نیمه دوم نمایش داستان دیگری است. فضای نمایش ناگهان تغییر می‌کند. این تغییر بشدت وابسته به بازی مجتبی پیرزاده است که نسبت به کلیت نمایش اغراق شده است. این قابل درک است که کارگردان برای برجسته کردن تفاوت میان شخصیت جدید با کنت و رزیتا، از بازیگر خود بخواهد خارج از چارچوب آنان ایفای نقش کند اما کمی از ضرباهنگ نمایش کاسته می‌شود. گویا قصد کارگردان آماده کردن تماشاگر برای روبه‌رو شدن با مقوله مرگ است. مرگ در این فضای شیرین باید پذیرفتنی شود و گلشنی به این راهکار می‌رسد. در نهایت یک ساعت نمایشی را تماشا می‌کنیم که با درک درست از دوگانگی موجود و فضای قالب پیری، داستان را سرراست و به دور از ادعا روی صحنه می‌برد. گلشنی «شب‌به‌خیر جناب کنت»ی را اجرا می‌کند که می‌تواند مخاطب قصه‌دوست ایرانی را با خود همراه کند.

بازتاب

دبیر پانزدهمین جشنواره تئاتر مقاومت:

«دریادلان» پژواک ارادت به شهدای غواص است

لزوم حمایت نهادهای مختلف از این نمایش

روح‌الله زندی: حسین پارسایی، دبیر پانزدهمین جشنواره تئاتر مقاومت از روند تمرین و آماده‌سازی نمایش دریادلان بازدید کرد. حسین پارسایی، دبیر پانزدهمین جشنواره تئاتر مقاومت در پایان این بازدید ضمن تقدیر از عوامل و بازیگران این نمایش، گفت: نمایش «دریادلان» نگاه متفاوتی به دفاع‌مقدس دارد و در این نمایش سعی شده است با تاکید بر جنبه‌های زیبایی شناختی به وجوهی از اثر بپردازد که بزرگی و شکوه این حماسه تراژیک بیشتر متبلور شود. در عین حال یک اثر کاملا هنری و زیباست. دبیر پانزدهمین جشنواره تئاتر مقاومت گفت: من در جریان آماده‌سازی این اثر بودم و به رسم وظیفه فعلی‌ام در جشنواره تئاتر مقاومت، امیرحسین شفیعی را تشویق کردم که حتما این کار را دنبال کند و به ایشان قول دادم در کنارشان خواهم بود و با حمایت از اثر انجام وظیفه خواهم کرد تا جشنواره تئاتر مقاومت هم سهم کوچکی در کنار نهادهای دیگر مثل مرکز هنرهای نمایشی، حوزه هنری و سازمان فرهنگی- هنری شهرداری داشته باشد. وی درباره اهمیت پرداختن به موضوع شهدای غواص افزود: این شهدا در روز تشییع‌شان علاوه بر اینکه مردم را متاثر کردند باعث فخر ملت هم شدند و رشادت آنها در عملیات کربلای ۴ هنرمندان ما را هم تحت تاثیر قرار داد و نمایش «دریادلان» در واقع پژواک ارادتی است از جمعی از هنرمندان تئاتر این مرز بوم که دارند به نمایندگی، این موضوع را و این رشادت را به نمایش می‌گذارند. در ادامه حسین پارسایی گفت: اساسا موضوع شهدای غواص به‌عنوان یکی از رخدادهای مهم دفاع‌مقدس و مقاومت موضوع قابل تاملی است که نه‌تنها هر ایرانی را بلکه هر انسانی را تحت‌تاثیر قرار می‌دهد و رشادت و شکوه و بزرگی این دلاورمردان توام با صبر و مظلومیت آنها زبانزد است و من فکر می‌کنم اجرای این نمایش یک ادای دین از سوی گروه است. دبیر پانزدهمین جشنواره تئاتر مقاومت ادامه داد: حضور من به منزله قدردانی از تلاش هنرمندانی است که همچنان دغدغه تئاتر مقاومت و دفاع‌مقدس را دارند و هدف‌شان پاسداشت و بزرگداشت این رشادت است. آمدن من بر سر این تمرین هم با این هدف است که نسبت به این جریان احساس دین می‌کنم و برای ادای احترام و تقدیر از هنرمندانی است که برای گرامیداشت این رشادت‌ها تلاش می‌کنند. این کارگردان تئاتر درباره استفاده از ظرفیت‌های موجود در تئاتر برای تقویت ارزش‌های تئاتر دفاع‌مقدس گفت: همانطور که ارزش‌های دفاع‌مقدس متعلق به همه ملت ایران است پرداختن به این ارزش‌ها نیز به همه هنرمندان تعلق دارد و تلاش همه هنرمندان با هر ذوق و روشی که دارند در تقویت این ارزش‌ها باید گرامی داشته شود. وی تاکید کرد: درست است که ما چندین برابر از طول دفاع‌مقدس از آن فاصله گرفته‌ایم اما پرداختن به جبهه انسان‌ساز که انسان را صاحب معرفت می‌کند و دورانی که به دانشگاه انسان‌سازی از آن یاد می‌شود، ضروری است. این وظیفه ما است که به زندگی و رشادت‌های سردارانی بپردازیم که امروز باعث فخر ما هستند. پارسایی همچنین با تاکید بر اینکه دستگاه‌های فرهنگی دولتی و نظامی که فعالیت هنری انجام می‌دهند و ارتباط مستقیمی با مفهوم رشادت، شهادت و دفاع‌مقدس دارند باید ضمن پرهیز از موازی‌کاری به این حوزه وارد شوند و از این آثار حمایت کنند، ادامه داد: این آثار و نمونه آن نباید واقعا محدود به چند اجرا باشد و در یک بازه زمانی مشخص و تنها در هفته گرامیداشت دفاع‌مقدس اجرا شود چرا که نیروی جدید و جوان تئاتر وقتی پتانسیل حمایتی این ارگان‌ها را ببینند قطعا این هنرمندان جوان و خلاق جذب خواهند شد. این کارگردان تئاتر خاطرنشان کرد: این روحیه در نسل جوان ما وجود دارد که از جنگ و از دفاع‌مقدس بدانند و ما باید با نگاهی کاملا امروزی و با توجه به ظرفیت‌ها و نیاز جامعه به این حوزه بپردازیم. بر این اساس نمایش‌های محیطی را می‌توان متناسب با زمان و مکان برای مردمی که فرصت تهیه بلیت ندارند تا برای تماشای نمایش به سالن بروند، تولید کرد. گفتنی است نمایش «دریادلان» به نویسندگی و کارگردانی امیرحسین شفیعی از ۲۶ شهریورماه ساعت ۱۹ در پارک دانشجو اجرای خود را آغاز می‌کند.

نگاه

یادداشت پیام دهکردی برای ایفای نقش شهید چمران در نمایش «تکه‌های سنگین سرب»

آغوشی برای یک اسطوره

پیام دهکردی، بازیگر نقش شهید چمران در نمایش «تکه‌های سنگین سرب» در دلنوشته‌ای به بیان حس و حال خود درباره بازی در این نقش پرداخته است. به گزارش تسنیم، این بازیگر متعهد که این روزها در نمایش «تکه‌های سنگین سرب» به نویسندگی و کارگردانی ایوب آقاخانی در نقش شهید دکتر مصطفی چمران ایفای نقش می‌کند، در یادداشتی با عنوان «پیام چمران» نوشته است:

گر مرد رهی میان خون باید رفت/ وز پای فتاده، سرنگون باید رفت

تو پای به راه در نه و هیچ مپرس/ خود راه بگویدت که چون باید رفت

اولین باری که مهدی چمران مرا در شمایل برادر شهیدش، مصطفی چمران دید، متوجه شدم چقدر منقلب و متاثر شده است. همان لحظه با خودم گفتم این تاثر به خاطر دیدن تو نیست بلکه به خاطر دیدن شمایل و ریختاری از برادرش است و او را به خاطراتی برمی‌گرداند که شاید یادآوری‌اش هم برایش تلخ باشد. مواجهه غریبی بود؛ با خودم می‌گفتم این فرد قرار است برادرش را در قالب نقش‌آفرینی یک بازیگر ببیند و اضطراب عجیبی داشتم. در تمام لحظاتی که ما یکدیگر را در آغوش گرفتیم و صحبت کردیم، حس عجیبی داشتم که برایم قابل توصیف نیست، چراکه من آقای چمران را از قبل می‌شناختم، هیچ وقت نه اضطرابی داشتم نه حال عجیب و غریبی ولی این بار برایم متفاوت بود. نگران بودم زیرا می‌دانستم رابطه مهدی و مصطفی چمران چگونه بود. شاید اگر غاده جابر هم در سالن بود همین حس را داشتم. این افراد، نزدیکان درجه یک مصطفی چمران هستند و طبیعتا ماجرا برایشان حساس است و اهمیت دارد. از خدا خواستم مرا روسفید کند. نه به خاطر حضور این آدم‌ها بلکه به این دلیل که اگر آمدند و بازی مرا دیدند، نگویند از خط خارج بودم و حال مصطفی این نبود. یادم می‌آید پارسال که ایوب آقاخانی به من بازی در نقش شهیدچمران را پیشنهاد کرد، نپذیرفتم زیرا معمولا از بازی در نقش‌هایی که مستند و حقیقی است بویژه نقش‌های اینچنینی همیشه پرهیز و امتناع کردم و دوست داشتم این اتفاق نیفتد. واقعا سخت است بتوانی خودت را جای این نقش‌ها بگذاری و آن طور که حق مطلب است را ادا کنی. چندین بار این درخواست را رد کردم تا گویی احساسم این بود که انگار فراخوانده شده‌ام؛ در سلوک شخصی هم باورم بر این است که «الخیر فی ماوقع». آن زمان در مورد این نقش هم احساس کردم وظیفه است و دلم می‌خواهد آن را بازی کنم. برای من تمام ماجرای ایفای نقش شهید چمران به همین شکل بود. مهری هم به این مقوله داشتم و همیشه احترام ویژه‌ای برای کسانی که به خاطر وطن و عشق‌شان به سرزمین و خاک و باورشان رفتند و در این راه خون دادند، قائل بودم و اگرچه موقعیت مناسبی از نظر روحی و جسمی نداشتم اما فکر کردم توفیق و سعادتی است که اتفاق افتاده و اکنون دوست دارم آن را بازی کنم و این ماراتن نفس‌بُر آغاز شد. ابتدا ۱۰ کیلو وزنم را کم کردم. فراوان مطالعه کردم، کتاب خواندم، عکس دیدم، فیلم دیدم ولی فیلمی از دکتر چمران ندیده بودم و فقط و فقط بسنده کردم به خواندن یادداشت‌ها و کتاب‌ها. معمولا هم در کارهایی که بازی می‌کنم دوست دارم آمیزه‌ای از پرسونای خودم و نقش را به تماشاگر تقدیم کنم یعنی حتی در شهید چمران هم پیام دهکردی را می‌بینیم زیرا دلم می‌خواسته فرزند زمانه خودم باشم و به این فکر کردم که دکتر مصطفی چمران را در سال ۱۳۹۴ خورشیدی و در این مقطع و بزنگاه تاریخی نمایش دهم. با این وصف، کوشش من این نبود که اگر کسی مرا ببیند، بگوید مثل چمران راه می‌رفت و حرف می‌زد بلکه دلم می‌خواهد مخاطب با انسانی مواجه شود که این ویژگی‌ها را دارد و شاید اسم این انسان، پیام چمران باشد یا مصطفی دهکردی. همیشه دلم می‌خواسته به این شکل خودم هم در نقشی که توسط نویسنده خلق شده، خوانشی داشته باشم بنابراین به‌عنوان یک بازیگر و برای رسیدن به این نقش کوشش کردم خودم را با حجم عظیمی از دردها و تنهایی‌های شخصی مانند چمران مواجه کنم و از طریق دردهایی که دارم-که شاید قیاس آن مع‌الفارق باشد با گستره دردهایی که کسی مانند شهید چمران داشته-به آنها فکر کنم، به غربت‌های درونی‌ام فکر کنم، به دلتنگی‌هایم فکر کنم و احساس کنم اگر من جای او بودم، چطور بود. فرآیند بسیار سختی بود. واقعیت این است که آدمی در قواره مصطفی چمران، نزدیک به ۵ دهه زندگی می‌کند و با چگالی بالا و پر از دستاورد چه در مدارج و مدارک علمی و چه در نوع سلوکی که انتخاب می‌کند، تصمیم می‌گیرد که بهترین امکانات را در آمریکا رها کند و برود لبنان و در جنگ ایران و عراق شرکت کند و سلوکی را انتخاب کند که حیرت‌انگیز است و مثال‌زدنی. در پروسه تمرین به این شناخت رسیدم و احساس کردم حجمی از یک عشق و عشق بی‌مانند نسبت به وطن، به خاک و خداوند در این آدم وجود دارد و به همین دلیل رفتن به این سمت برای خود من کاری دشوار بود. من با تمام قلب و روح و سلول‌های تنم کوشش کردم با یک رویکرد کاملا عاطفی، غریزی و حسی با نقش شهید چمران ارتباط برقرار کنم. طبیعتا تمام کوششم را کردم که به سهم خودم ادای دینی کنم به فردی چون مصطفی چمران. اما قضاوت توفیق در این کار با من نیست؛ با اهل آن و آدم‌هایی است که یا چمران را می‌شناسند یا دردآشنا و دردمند هستند. آنها شاید بتوانند از لابه‌لای این شتک‌ها و بغض‌ها و دلتنگی‌ها به یک سویه‌ای از این کار برسند و بگویند بله؛ حق مطلب ادا شده است. معمولا هر نقشی که در تئاتر بازی کردم تمام وجودم را درگیر پیاده کردنش گذاشتم و به نظرم این نقش از مجموعه‌ای جهات برای خود من ویژه بود و بزرگ‌ترین وجه آن، شخصیتی همچون دکتر چمران بود. ساده نیست آدمی را بازی کردن که ابعاد مختلف و پیچیده و وجوه عمیق و غنی دارد. رفتن به سمت اینها خطرناک است و برای من بعد از این همه سال کار، بازی کردن نقش شهید چمران خطر محض است زیرا معلوم نیست واقعا موفق شوی و ممکن است به شکست برسد ولی من به سمتش رفتم. نقش چمران برای من اینگونه بود. اکنون که فکر می‌کنم می‌بینم نقشی است که هر شب از عمر من کم می‌کند و هر شب مرا با خون جگر عجین می‌کند اما برای خودم یک پالایش است، یک حال خوش و یک حال بی‌مانند... و از این بابت خدا را شاکرم.

رویدادها

افتتاح پردیس تئاتر خاوران با همت شهرداری تهران

رئیس سازمان فرهنگی- هنری شهرداری تهران گفت: چندی پیش از پردیس تئاتر خاوران بازدید کردیم و در آینده نزدیک این مجموعه تحویل سازمان فرهنگی- هنری شهرداری تهران می‌شود و برای مدیریت آن حتماً از فردی که توانایی برجسته‌ای برای مدیریت داشته باشد، بهره می‌بریم. به گزارش تسنیم، محمود صلاحی، رئیس سازمان فرهنگی- هنری شهرداری تهران با اشاره به دستور شهردار تهران برای حمایت از جریان متعهد و انقلابی در حوزه تئاتر به ساخت پردیس تئاتر خاوران اشاره کرد و گفت: پس از دستور آقای قالیباف برای ساخت این پردیس تئاتری اکنون سالن‌هایی از ۲۷۰ نفر تا ۱۵۰۰ نفر در اختیار داریم و حدود یک ماه آینده این مجموعه به راه خواهد افتاد. صلاحی ضمن تاکید بر حمایت سازمان فرهنگی- هنری شهرداری از جریان‌های خودجوش فرهنگی، افزود: ما معتقدیم باید از تئاتر مدرسه، مسجد و... حمایت کنیم تا بتوانیم افراد مستعد و توانمندی را برای آینده تربیت کنیم و در فرهنگسراها این برنامه را به صورت جدی دنبال می‌کنیم.

■■■

«تک تیرانداز» به شبکه افق می‌آید

مستند تک تیرانداز درباره یک تک تیرانداز است که در عراق علیه داعش می‌جنگد. به‌گزارش تسنیم، وحید فراهانی، کارگردان مستند «تک تیرانداز» از نمایش این فیلم در شبکه افق سیما خبر داد و گفت: این مستند پنجشنبه ۲۶ شهریور ساعت ۱۷ و ۳۰ دقیقه روی آنتن شبکه افق می‌رود. «تک تیرانداز» مستندی درباره یک تک تیرانداز است که به تنهایی علیه داعش می‌جنگد. فراهانی که کارگردانی مجموعه مستند «بدون مرز، عشق» را در کارنامه کاری خود دارد، قصد دارد در سفر آینده‌اش به عراق فیلمی درباره گردان مسیحیان عراق که در برابر داعش مبارزه می‌کنند بسازد.

■■■

تأکید یک کارگردان سینما بر استفاده از کالاهای ایرانی

یک کارگردان سینما گفت: با حمایت از تولیدکنندگان کالاهای فرهنگی در کشور و توزیع آثار آنها با قیمت مناسب می‌توان بسیاری از خانواده‌ها را به سمت و سوی استفاده از کالاهای داخلی کشاند. به گزارش تسنیم، ابوالفضل جلیلی، کارگردان سینما با اشاره به وضعیت کتابخوانی کودکان در سال‌های اخیر گفت: کودکان ما باید از کودکی با لغات و مفهوم آنها آشنا شوند تا در بزرگسالی بتوانند نامه بنویسند و بدانند از کلمات در چه زمانی باید استفاده کنند؛ البته نکته قابل تأمل این است که حتی بزرگسال‌های ما نیز به دلیل مشغله‌های زیاد زندگی رغبتی به کتاب خواندن ندارند! وی ادامه داد: به جرأت می‌توانم بگویم حس و حالی که ما در زمان کودکی داشتیم، امروز دیگر در میان کودکان وجود ندارد و به نوعی شادی در کودکان رنگ باخته است. همانطور که می‌دانید کودکان امروز با کودکان زمان ما خیلی متفاوت هستند حتی نوع صحبت‌هایشان هم فرق می‌کند. جلیلی در ادامه افزود: با حمایت از تولیدکنندگان کالاهای فرهنگی در کشور و توزیع آثار آنها با قیمت مناسب می‌توان بسیاری از خانواده‌ها را به سمت و سوی استفاده از کالاهای داخلی کشاند و از طرفی کودکان و نوجوانان خود را با فرهنگ و تمدن کشور خود مأنوس کرد. وی در پایان برگزاری جشنواره مصرف کالاهای فرهنگی با رویکرد کودکان و نوجوانان را راهکاری مناسب برای آشنایی کودکان با کالاهای فرهنگی کشور و تاریخ و تمدن ایران دانست.

■■■

اجرای برنامه‌های تربیتی در کنار کار هنری

سعید سلطانی، مسؤول کانون تربیتی امام‌موسی‌صدر تبریز گفت: ۱۵ حلقه صالحین تشکیل داده و در آن کلاس برنامه‌هایی مانند اخلاق، عقائد، اهل‌بیت، روخوانی قرآن و کتاب خوانی را برگزار کردیم. در برنامه‌های تربیت‌محور با مربیان مشورت کرده و خروجی برنامه‌ها را از طریق برنامه‌ریزی و ارتباط با مربیان می‌سنجیم و براساس این الگو کلاس‌ها و برنامه‌های خود را تدوین می‌کنیم. وی درباره برنامه‌ها و تأثیر کار تربیتی بر روی آن افزود: ما با برگزاری کلاس‌های هنری مانند طراحی، کاریکاتور و خوشنویسی توانسته‌ایم موضوعات تربیتی را در قالب فعالیت هنری بگنجانیم تا علاوه بر تنوع در امور میزان تأثیرپذیری فعالیت‌های فرهنگی آن را بیشتر مشاهده کنیم. این مسؤول عنوان کرد: با بررسی ویژگی‌های افراد و استعدادهایی که دارند آنها را گزینش کرده و هر کس را در کاری که متناسب با روحیات اوست مانند کارهای اجرایی، تربیتی و موضوعاتی از این قبیل تربیت می‌کنیم تا در آینده‌ای نزدیک در آن کار به فردی با تجربه تبدیل شوند.